

این بیتی چنین مذکور شده یعنی آنکه روی خود را که نور نظام و جلال است بر روی
چو شش آفتاب و صورت در کشفه و این شیده بیا از ظهور آمد و خلق بدین علم صوب
کبر روی این کج محقق گشته به واسطه کثرت تعینات مختلفه و آنرا نسبت به کفر و
تقد و هجران و بغض و بیدار محبت گشته باخبر بواسطه سلب نور و حال آن روی
روی پوش نظام و صورت و جلاله کفر و بلا و عشق و محبت گشته بعضی عاشق و بعضی
عاشق صورت **سید** تویی معنی بر و دل لایم است تویی کج و همه عالم
طالع است و عشاق صورت تو هم چنان معشوق دور افتاده بیندازد که عاشق گشته
و در لای این شاد گشته **میل** از لای عالم آید که شناسند و گریه
گشت و بیتی دستور و نما و این قصیده را شرح کرده و از جهت انحصار بنا بر قصاید
و بیتی در این سینه و سخن و ستاره بر دست گفتار شاد یافته و سن
مبارک و در آن وقت میگوید صد و پنجاه سال بوده و قریب روی در پیش آورده است
رحمه الله تعالی **شیخ محمد الدین مصطفی بن عبد الله السعدی الشیرازی رحمه الله**
مجلس اول فاضل صوفیه بوده و از مجامع آن بقعه شریف شیخ ابو عبد الله محمد بن
شمالی و از علوه و غیر تمام داشته و از ادب عظیمی کامل و حد بسیار کرده است و عالم
گشته و بارها بفرج پاده رفته و به بختگاه شومناک در آمده و بت بزرگ ایشان
گفته و از مشایخ کبار بسیاری پذیرفته و بچیت شیخ شهاب الدین رسیده
و باری در دلیک آشتی سرود و یکر و گفته اند که وی در بیت المقدس و بلاد شام و

مدید

مدید سقایی نمیکرد و آب بر سر نمیداد تا بآخر علیه السلام رسید و بیا از لای انعام
و انصال خود سیراب گردانید و قی و بیا با کجا تا کار مسافات و شرف فایده گفت و گفت
واقع شد آن شریف حضرت رسالت را صلوات الله علیه و سلم بخواست و بیکه و بیا
غبار که چنان پیدار شد پیش شیخ آمد و عذر خواهم نمود و استعفا داد و بیکه
یکی از مشایخ **نصیر** روی بود شیخ در واقع چنان دید که درهای آسمان
شد و طغیان و قی و از آن شد پس سید که این جیت گفتند برای سعادت شیراز است
که بیتی گفته که قبول حضرت حق سبحانه و تعالی او را در آن بیتی است **سید**
برای درختان بن در نظر هو شیخ هر مرقی در بیتی معرفت کرد که کار
آن چرخ چون از واقع و دانه هم در سینه بدو زویه شیخ سعیدی رفت که و بیا
بشارت دهد دید که چراغی از ریخته و باخود زمره میکند چون گوش کرد همین
بیت بخواند وی در شب جمعه ماه شوال سینه اجدی و تسعین و ششماه از بیا
رفت رحمه الله تعالی **شیخ محمد الدین مصطفی بن عبد الله السعدی الشیرازی رحمه الله**
وی صاحب لغات و دیوان شعری مشهور است در صغر سن حفظ قرآن کرده
بوده و بغایت خوش میخواند چنانکه اهل همان شیفه آواز وی بوده اند
و بعد از آن تحصیل علوم مشغول شد چنانکه گویند در سن هفده سالگی در سن
ملازمین مشهور را مشغول بوده و روزی جمع قلندران بهمدان رسیده اند و بایشان
پیر صاحب جمال و بوی مشرق محقق غالب چنان پیر و بزرگوار شد تا عالم که

مدید